

رابطه بین سرمایه اجتماعی و نقش پلیس در پیشگیری از جرایم^۱

محسن مطهری زاده^۲

چکیده

امروزه سازمانهایی که در تعامل و ارتباط پویایی با شهروندان قرار دارند، از سرمایه اجتماعی به عنوان یک نوع دارایی با ارزش به منظور ارتقای توان و قابلیت خود بهره می‌گیرند. این در حالی است که به رغم اهمیت بالای این مقوله، هنوز از لحاظ نظری تعریف مشخص و روشنی از سرمایه اجتماعی پلیس وجود ندارد. سرمایه اجتماعی پلیس عبارت است از مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها و منابع اجتماعی پلیس شامل اعتماد مردم به پلیس، مشارکت مردم با پلیس، اقتدار، مقبولیت و مشروعیت پلیس (به عبارتی پذیرش مردمی پلیس) و وجهه و منزلت اجتماعی پلیس است به نحوی که بهره‌مندی از این منابع زمینه تولید و بازتولید نظم و امنیت را در عرصه اجتماع و پاسداری از ارزش‌های آن جامعه فراهم می‌سازد. این سرمایه با ابعاد «اعتماد مردم به پلیس»، «مشارکت مردم با پلیس»، «اقتدار پلیس» و «مقبولیت و مشروعیت (پذیرش مردمی) پلیس»، «منزلت و وجهه اجتماعی پلیس» و قابلیت سنجش و اندازه‌گیری پیدا می‌کند. سرمایه اجتماعی پلیس را می‌توان حاصل شیوه تعامل موثر بین افراد جامعه و پلیس و وجود هنجارهای مناسب همیاری و همکاری با پلیس تلقی نمود که به نوعی ریشه در اعتماد، مشارکت، مقبولیت، منزلت و اقتدار پلیس دارد. خدشه در هر یک از ابعاد می‌تواند تاثیری بسیار مخرب بر سرمایه اجتماعی پلیس وارد نماید. بنابراین ما در این پژوهش برآنیم تا به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و نقش پلیس در پیشگیری از جرایم بپردازیم.

کلیدواژگان: پلیس، سرمایه اجتماعی، پیشگیری از جرم

^۱..تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵

^۲- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی.

۱- مقدمه

یک جامعه سالم از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار است. زیرا افراد جامعه با یکدیگر روابطی اعتمادآمیز دارند. افراد ضمن تأمین منافع خود، به دیگران نیز سود می‌رسانند و اگر سود بردن مستلزم زیان وارد کردن به دیگران باشد، از آن چشم‌پوشی می‌کنند و به راحتی اعتماد دیگران به خود را خدشه‌دار نمی‌نمایند. فقدان سرمایه اجتماعی مترادف با بروز انحرافات اجتماعی است. چون سرمایه اجتماعی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می‌کند، انحرافات اجتماعی بال فعل نیز بازتاب نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود.^۳

علائم نشان‌دهنده فقدان سرمایه اجتماعی، آمارهایی از رفتارهای ضد اجتماعی است. عواملی که امنیت اجتماعی را خدشه‌دار می‌کند؛ مانند نژادپرستی، پارتی‌بازی، آشناپروری، بی‌تفاوتی، تبعیض جنسی، طلاق، فروپاشی خانواده، افت تحصیلی، سوءاستفاده جنسی، آدم‌کشی، اعتیاد و پخش مواد مخدر، کمبود سرمایه اجتماعی در جامعه را می‌رساند.^۴

سرمایه‌های ملی و محلی از مصادیق وحدت بخش و انسجام‌دهنده در جامعه هستند که به عنوان مکانیزمی کنترلی در خدمت مردم و جامعه عمل می‌کنند. ولی امروزه با توجه به گستره ارتباطات جهانی و تاثیرات ناشی از جهانی شدن صنعت فرهنگ و تکنولوژی، سرمایه‌های ملی و محلی در معرض چالش‌ها و تهدیدات جدی قرار دارند، مفاهیمی چون بحران هویتی، شبیخون فرهنگی و چالش‌های قومی - مذهبی از جمله آنهاست که عرصه‌های هویتی و فرهنگی ما را با چالش جدی روبه‌رو ساخته است لذا درک سرمایه‌های ملی و محلی و لزوم پاسداری از آنها، برخورد منطقی با اقلیت‌های قومی و مذهبی، رعایت حقوق مدنی و شهروندی آنها و تلاش برای جلب رضایت همه شهروندان از جمله اقدامات ضروری است که پلیس باید در برنامه‌های خود این امور را مدنظر قرار دهد. رعایت اصل جامعه‌محوری در پلیس به ما امکان می‌دهد که متناسب با ویژگی‌ها و شرایط محلی و منطقه‌ای و با در نظر گرفتن وجوه فرهنگی اقلیت‌های قومی و مذهبی به اداره امور جامعه پردازیم. لذا تلاش برای تمرکززدایی در پلیس، ارایه الگوی پلیس تخصصی، محله‌گرایی و بومی‌سازی پلیس از راهکارهای بهینه در جهت فرصت‌سازی از تهدیدات بالقوه در جامعه است که ایده پلیس جامعه‌محور این امکان را فراهم می‌آورد.

^۳. اخترمحقق، مهدی، ۱۳۸۵، سرمایه اجتماعی، تهران، انتشارات مؤلف، ص ۶۲.

^۴. همان.

در واقع سرمایه‌ی اجتماعی پلیس، این امکان را می‌دهد تا استعدادها پتانسیل‌های موجود جامعه را در جهت کنترل مؤثر بر جرایم و آسیب‌های اجتماعی مراقب نماید. این امر مستلزم تعاملات سازنده و پیگیرانه‌ی پلیس با مردم است که در جامعه محوری نمود پیدا می‌کند.^۵ در این راستا ضرورت رویکرد جامعه محوری پلیس در دو سطح جامعه و درون سازمان پلیس، قابل بررسی است. در سطح جامعه لزوم مشارکت عمومی جهت استراتژی مهار و کنترل جرم یا همان سیاست جنایی مشارکتی را باید جستجو نمود. سیاست جنایی بر لزوم برگزیدن تدابیر و راهکارهای مناسب در جهت کنترل پدیده‌ی مجرمانه تأکید دارد. نکته اول آنکه تدابیر کنترل جرم، محدود به تدابیر تنها کیفری و سرکوب‌گر نبوده بلکه بخش وسیعی از تدابیر اصلاحی، درمانی و حمایتی را شامل می‌شود. همچنین پاسخ‌دهی به پدیده‌ی مجرمانه، محدود به وضعیت پس از وقوع جرم نبوده بلکه وضعیت پیش از وقوع جرم را نیز شامل می‌شود. در سطح درون سازمان بر ارتقای کارایی پلیس و جلب اعتماد عمومی تأکید می‌شود. در سطح کارایی، هرچه سازمان پلیس تعامل‌های بیشتری با جامعه‌ای که در آن انجام وظیفه می‌کند داشته باشد، شناخت این سازمان از نیازها، مشکلات و کمبودهای موجود در حوزه نظم عمومی و امنیت اجتماعی بیشتر می‌شود.^۶

به عبارت دیگر می‌توان گفت که جوامع دارای سطح بالاتری از سرمایه اجتماعی، به احتمال بیشتری دارای پلیسی هستند که نرخ پاکسازی جرم بالاتری دارد. در جامعه‌ای که دارای سطح بالایی از سرمایه‌ی اجتماعی است تعداد شکایت شهروندان از پلیس به دلیل سوء استفاده از قدرت و اعمال زور، کمتر خواهد بود. همچنین هرچه جامعه دارای سطح سرمایه‌ی اجتماعی بالاتری باشد، نرخ جرم و جنایت در آن کاهش خواهد یافت. همچنین سطوح بالای سرمایه‌ی اجتماعی بطور مثبتی با اعتماد شهروندان به پلیس رابطه دارد.^۷ بنابراین ما در این پژوهش برآنیم تا به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و نقش پلیس در پیشگیری از جرایم می‌باشد.

^۵ . علی نژاد، منوچهر، ۱۳۸۸، سرمایه اجتماعی و پیوند آن با پلیس جامعه محور، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال ششم، شماره ۲۷.

^۶ . وروائی، اکبر، ۱۳۸۴، پلیس جامعه محور، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.

^۷ . شارع پور، محمود و علی حسینی راد، ۱۳۸۷، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی (مطالعه موردی شهروندان ۲۹-۱۵ ساله‌ی شهر بابل)، نشریه حرکت، شماره ۳۷.

۲- مفهوم سرمایه اجتماعی

سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان ویژگی‌های سازمان اجتماعی مثل شبکه‌های اجتماعی، هنجارها، باورها و اعتماد شناخته شده و شامل مفاهیم اساسی برای علم جامعه‌شناسی، مثل کنترل اجتماعی و یک پارچگی اجتماعی است.^۸ از سرمایه‌ی اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه شده است. یکی از تعاریف مطرح این است که سرمایه‌ی اجتماعی مجموعه‌ی هنجارهای موجود در نظام‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه و پائین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود. بانک جهانی نیز سرمایه‌ی اجتماعی را پدیده‌ای میداند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است؛ تجارب این سازمان نشان داده است که این پدیده، تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه‌ی کشورهای مختلف دارد. سرمایه‌ی اجتماعی برخلاف سایر سرمایه‌ها به صورت فیزیکی وجود ندارد؛ بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی است و از طرف دیگر افزایش آن می‌تواند موجب پائین آمدن جدی سطح هزینه‌های اداری جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی سازمان‌ها شود، سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان حاصل پدیده‌هایی هم چون: اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده و کار گروهی در یک سیستم اجتماعی دانست. یکی از مفاهیم مفید در تبیین مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، «شبکه‌ی اعتماد» است. شبکه‌ی اعتماد عبارت است از گروهی از افراد که بر اساس اعتماد متقابل، از اطلاعات، هنجارها و ارزش‌های یکسان در تبادلات خود استفاده می‌کنند، از این رو، اعتماد، نقش زیادی در تسهیل فرایندها و کاهش هزینه‌های مربوط به این گونه تبادلات دارد. شبکه‌ی اعتماد می‌تواند بین افراد یک گروه و یا بین گروه‌ها و سازمان‌های مختلف به وجود آید. تمامی گروه‌های اجتماعی دارای میزان خاصی از شعاع اعتمادند، این امر به مفهوم میزان گستردگی دایره‌ی همکاری و اعتماد متقابل اعضای یک گروه است. در یک نتیجه‌گیری می‌توان گفت که هر چه یک گروه اجتماعی دارای شعاع اعتماد بالاتری باشد، سرمایه‌ی اجتماعی بیشتری نیز خواهد داشت. چنان‌چه یک گروه اجتماعی برون‌گرایی مثبتی نسبت به اعضای گروه‌های دیگر داشته باشد، شعاع اعتماد این گروه از حد داخلی آن نیز فراتر می‌رود.^۹

^۸ . Putnam, R.D.(۱۹۹۳), The Prosperous Community: Social Capital and Public Life, The American Prospect, Vol. ۴, pp. ۳۵-۴۲.

^۹ . حق‌شناس، اصغر و همکاران، ۱۳۸۶، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۸۸.

مزایای سرمایه اجتماعی حداقل در هشت زمینه علمی جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است. این مزایا عبارتند از:

- کمک به مشکلات رفتاری خانواده ها و جوانان (برای مثال، جلوگیری از تخلف و جرم و بهبود تربیت و پرورش کودکان): آموزش و تربیت؛
- بهبود زندگی اجتماعی (برای مثال، ایجاد معیارهای بازار کار)؛
- مزایای کاری و سازمانی؛
- کمک به دموکراسی و اداره ی جامعه؛
- توسعه ی اقتصادی؛^{۱۰}
- جرم شناسی؛^{۱۱}
- بهداشت و رفاه عمومی.^{۱۲}

در زمینه سرمایه اجتماعی پلیس می توان گفت:

بررسی ها نشان می دهد سرمایه ی اجتماعی از تعاملات مداوم اجتماعی شکل گرفته که می تواند با تبدیل شدن به اعتماد و توان جمعی مفید واقع گردد. متون موجود در مورد سرمایه ی اجتماعی نشان می دهند که تعاملات و شبکه های اجتماعی، مؤلفه ای لازم برای سرمایه ی اجتماعی می باشند. اما کافی نیستند. اجتماعاتی که به دنبال افزایش سرمایه ی اجتماعی اند، باید فراتر از صرف تعاملات اجتماعی رفته، شبکه اعتماد، حمایت و وابستگی ایجاد نمایند و در برابر آثار تضعیف کننده ی مناقشات برای جوامع مقاومت کنند. اسکات، سرمایه ی اجتماعی را شامل توانایی برای پرورش و حفظ روابط قوی، حل مسائل و اخذ تصمیمات جمعی و همکاری مؤثر برای

^{۱۰} . Economic Development

^{۱۱} . Criminology

^{۱۲} . Public Health

شناسایی اهداف و اجرای مؤثر وظایف می‌داند. استدلال نویسندگان این مقاله آن است که یک تعریف مفهومی از سرمایه اجتماعی پلیس نیز باید ابعاد مؤثر بر این تعامل را مورد توجه قرار دهد.^{۱۳}

بررسی‌های صورت گرفته حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی برون سازمانی پلیس را می‌توان با میزان اعتماد جامعه به پلیس، سطح مشارکت مردم با پلیس، درجه مقبولیت و مشروعیت مردمی و نیز وجهه و منزلت اجتماعی پلیس و سطح اقتدار پلیس در جامعه تعریف نمود و سنجید. از این رو هر یک از این ابعاد نیز با شاخص‌ها و پارامترهایی که درجه با میزان سرمایه اجتماعی پلیس را تعیین می‌نماید محک می‌خورد. تلاش در جهت ارتقای این ابعاد از طریق ایجاد بسترها و زمینه‌های بهبود وضعیت تعاملی و کارکردی فعالیت‌های پلیس در سطح جامعه، در مجموع منجر به ارتقای عملکرد نیروی پلیس در راستای تولید، حفظ و گسترش نظم و امنیت در جامعه می‌گردد. بر همین اساس می‌توان مدعی شد که وجود، گسترش و ارتقای این ابعاد به افزایش سرمایه اجتماعی برون سازمانی پلیس و در نتیجه ارتقای کارآمدی آن منجر می‌گردد و از سوی دیگر عدم وجود، آسیب و کاهش این ابعاد، زوال و افول سرمایه اجتماعی برون سازمانی پلیس و در نتیجه کاهش کارآمدی سازمان پلیس را در بر خواهد داشت.^{۱۴}

با توجه به موارد فوق سرمایه اجتماعی برون سازمانی پلیس را می‌توان به شرح زیر تعریف نمود:

«سرمایه اجتماعی برون سازمانی پلیس مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها و منابع اجتماعی پلیس شامل اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اقتدار و مقبولیت و مشروعیت پذیرش مردمی) و وجهه و منزلت است به نحوی که بهره‌مندی از این منابع که در نتیجه تعامل جامعه و پلیس حاصل می‌گردد، زمینه تولید و بازتولید نظم و امنیت را در عرصه اجتماع و پاسداری از ارزش‌های آن جامعه فراهم می‌سازد».

این سرمایه با ابعاد «اعتماد اجتماعی به پلیس»، «مشارکت با پلیس: آمادگی عینی و ذهنی»، «اقتدار پلیس» و «مقبولیت و مشروعیت (پذیرش مردمی) پلیس»، «منزلت و وجهه پلیس» و «اقتدار پلیس» قابلیت سنجش و اندازه‌گیری پیدا می‌کند.^{۱۵}

^{۱۳} .Scott, Jason.D(۲۰۰۲). Assessing the Relationship Between Police-Community Coproduction and Neighborhood Level Social Capital, Journal of Contemporary Criminal Justice; ۱۸; ۱۴۷-۱۶۶

^{۱۴} . بخشی، قدیر و غلامرضا غفاری، ۱۳۹۱، تبیین جامعه‌شناختی سرمایه اجتماعی پلیس، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۲، ص ۱۲

^{۱۵} . همان

۳- کارکرد سرمایه اجتماعی در پیشگیری از جرایم

ویژگی‌های سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های شناخته شده آن از یک طرف و تقسیم‌بندی اشکال مختلف پیشگیری از جرم، از طرف دیگر نشان دهنده‌ی ارتباط معنایی میان دو مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی و پیشگیری از جرم است. با توجه به تحقیقات تجربی صورت گرفته در دو دهه اخیر، شاهد گسترش انحراف اجتماعی، جرایم جنسی و اخلاقی، موضوع‌هایی چون باندهای قاچاق مواد مخدر، بیکاری، فقر، فرار دختران، خودکشی، اعتیاد، بزهکاری، طلاق، چت کردن، پارتی‌های شبانه، قتل و... هستیم که همگی حاکی از سطح پایین سرمایه‌ی اجتماعی و به دنبال آن امنیت اجتماعی در جامعه است.^{۱۶} بر این اساس می‌توان گفت وجود سرمایه‌ی اجتماعی، علاوه بر آنکه بطور مستقل، نوعی پیشگیری از جرم محسوب می‌شود، می‌تواند با هنجارمندی‌سازی افراد، دارای شرایطی باشد که سایر اقدام‌های پیشگیرانه را نیز موفقیت‌آمیز ساخته و اهداف بلندمدت و کوتاه مدت پیشگیری را تأمین کند. پیشگیری از جرم از راه دخالت سرمایه‌ی اجتماعی، به دنبال کاهش یا حذف انگیزه‌های ارتکاب جرم پیش از وقوع آن و مقابله با علل ریشه‌ای جرم، با استفاده از توان مولد ارتباطات اجتماعی و اعتماد جمعی افراد جامعه به یکدیگر و نهادهای دست‌اندرکار پیشگیری از جرم است. در خصوص اهمیت موضوع سرمایه‌ی اجتماعی می‌توان به چند مورد از کارکردهای مهم سرمایه‌ی اجتماعی به شرح زیر اشاره نمود:

۱. سرمایه‌ی اجتماعی باعث افزایش و ارتقای سطح آگاهی اجتماعی در زمینه هنجارمندی اخلاقی می‌شود.
۲. سرمایه‌ی اجتماعی باعث اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری جوانان شده و در واقع تمرینی برای هم‌نوایی در زندگی اجتماعی است.
۳. سرمایه‌ی اجتماعی باعث خوداتکایی، خودباوری و خودشناسی می‌شود و زمینه را برای شکلگیری یک شخصیت اجتماعی پیشرفته در راستای تحقق نظم اجتماعی فراهم می‌کند.
۴. سرمایه‌ی اجتماعی باعث برآورده شدن نیازهای شهردان در زمینه‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌شود و عاملی اساسی برای پیوند و تعلق افراد به جامعه می‌شود.^{۱۷}

^{۱۶} شعاع کاظمی، مهرانگیز، ۱۳۸۴، جرم و راه‌های پیشگیری از آن، نشریه ادیان و عرفان، شماره ۱۰۳، ص ۱۰۷.

^{۱۷} غلامرضایی، سعید، ۱۳۷۶، موانع موجود در جریان مشارکت اجتماعی دختران جوان روستایی و برخی راه حل‌های آن، مجموعه مقالات سمینار تواناسازی دختران روستایی در مشارکت اجتماعی یونسف با همکاری وزارت جهاد سازندگی.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت کارکرد سرمایه اجتماعی در پیشگیری از جرم و تحقق امنیت با تأثیرگذاری بر گروه‌های سه‌گانه: پلیس و کارکنان آن، افراد و آحاد جامعه و بزه‌کاران و بزه‌دیدگان محقق می‌شود.

۴- جایگاه سرمایه اجتماعی و جامعه محوری در پلیس

اساساً الگوی جامعه محوری در پلیس، سعی دارد سرمایه‌های اجتماعی حاکم بر جامعه را شناخته و آن‌ها را در جهت تحقق اهداف سازمانی به کار گیرد. این امر مستلزم آن است که پلیس شناختی دقیق و موشکافانه از استعدادها و پتانسیل‌های موجود در جامعه داشته باشد. از طرف دیگر، ساختار، مأموریت‌ها و رفتارهای سازمانی خود را متناسب با قابلیت‌های اجتماعی تعدیل کند. این همان انطباق‌پذیری پلیس در جامعه است که نیازمند بازاندیشی مداوم در مأموریت‌ها و رفتارهای سازمانی است. به عبارت دیگر رویکرد جامعه محوری بر این پیش‌فرض استوار است که حلال مشکلات اجتماعی، خود مردم هستند. لذا پلیس باید با بسیج عمومی مردم، قابلیت‌های اجتماعی نهفته در جامعه را به منظور حل مشکلات اجتماعی به کار گیرد. در واقع سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه به پلیس امکان می‌دهد تا استعدادها و پتانسیل‌های موجود جامعه را در جهت کنترل مؤثر بر جرائم و آسیب‌های اجتماعی رصد نماید؛ این امر مستلزم تعاملات سازنده و پی‌گیرانه‌ی پلیس با مردم است که در جامعه محوری نمود پیدا می‌کند.^{۱۸}

۵- رابطه سرمایه اجتماعی و عملکرد پلیس

بسیاری از محققان نشان داده‌اند که سطح سرمایه‌ی اجتماعی، پتانسیل عملکرد دولت را شکل می‌دهد. در جوامعی که آداب مدنی در میان شهروندان شایع است، دولت‌ها عملکرد خوبی دارند؛ در مقابل، در جوامعی که از سطح آداب مدنی بالایی برخوردار نیستند، دولت‌ها عملکرد ضعیفی دارند. این‌که چگونه سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند منجر به عملکرد بهتر دولت شود می‌تواند به دو شرح تقسیم‌بندی شود؛ نخست این‌که، سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند مسئولیت‌پذیری دولت را افزایش دهد. بنابراین دولت باید به شهروندان پاسخ‌گو باشد. به طور مشابه، جوامع دارای سرمایه‌ی اجتماعی بالا به احتمال بیشتری از پلیس تقاضا دارند که وظیفه‌ی خود را

^{۱۸}. علی نژاد، منوچهر، ۱۳۸۸، سرمایه‌ی اجتماعی و پیوند آن با پلیس جامعه محور، دوماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال ششم، شماره ۲۷.

کارا تر و مؤثرتر انجام دهند. دومین مورد به خود شهروندان ارتباط دارد. سرمایه ی اجتماعی ممکن است ساز و کارهای کنترل اجتماعی غیررسمی را تسهیل و تقویت کند. در این صورت شهروندان نه تنها به عنوان افراد منصف و عادل شناخته می شوند، بلکه هم چنین رفتارهای خوبی از خود نشان می دهند. جوامع دارای سرمایه ی اجتماعی بالا به احتمال بیشتری دارای امنیت بوده و از افرادی برخوردار هستند که جرم کمتری مرتکب می شوند. در ادامه، رابطه ی سرمایه ی اجتماعی و هریک از انواع عملکرد پلیس شرح داده شده است:

۱. سرمایه ی اجتماعی و نرخ پاک سازی

نرخ پاک سازی نشان دهنده ی نسبت بین تعداد موارد جرم حل شده به تعداد جرم های گزارش شده به پلیس در یک دوره ی زمانی مشخص است. در جامعه ای که شهروندان فرهیخته^{۱۹} بیشتری وجود داشته باشد نظارت و بحث بیشتری در مورد پلیس وجود خواهد داشت. در نتیجه منجر به فعالیت های کارا تر و مؤثرتر پلیس می شود. مشارکت بیشتر شهروندان در مناسبات اجتماعی به منظور افزایش رفاه و آسایش خود، فرصت های بیشتری را برای آن ها به منظور بحث درباره ی امور مدنی فراهم می آورد و آگاهی آن ها از مسائل سیاسی را بیش از پیش افزایش می دهد.

این در حالی است که در جوامعی که شهروندان دارای سرمایه ی اجتماعی کمی هستند، به دلیل کمبود اطلاعات و دانش سیاسی، شهروندان در فعالیت های سیاسی مشارکت نمی کنند.^{۲۰}

در جوامعی که سرمایه اجتماعی بالاتری وجود دارد، نظارت بر دولت و اعتراض رسمی در مقابل عدم کفایت یا اقدامات غیرقانونی و یا حتی بیان ترجیحات از طریق رأی دادن، نوشتن نامه، یا دیگر ابزارها می تواند به عنوان ابزارهایی به منظور کاهش جرم و جنایت باشد که با عملکرد بهتر پلیس اتفاق می افتد. لذا شناخت خط مشی ها، توسط بسیاری از شهروندان، و هم چنین مشارکت آن ها از طریق ابزارهای مختلف، برای پاسخ گو بودن دولت مهم است. با این روش شهروندان می توانند ترجیحات خود را بیان نموده و پلیس نیز مراقب منافع آن ها باشد.^{۲۱}

^{۱۹} . Sophisticated

^{۲۰} . Borg, M.J. and Parker, K.F.(۲۰۰۱). Mobilizing Law in Urban Areas: The Social Structure of Homicide Clearance Rates. Law & Society Review, Vol. ۳۵, pp. ۴۳۵-۴۶۶.

^{۲۱} . Choi, C.G.(۲۰۱۰). Exploring the Effects of Social Capital on Police Performance in U.S. Cities. A Dissertation Submitted to the Department of Public Administration and Policy in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy, College of Arts and Sciences, The Florida State University. Available at: <http://proquest.umi.com/pqdweb>.

مشارکت در فعالیت های سیاسی و تقاضا از پلیس برای کاهش جرم در جوامعی که دارای سطح بالایی از سرمایه اجتماعی هستند، منجر به عملکرد خوب پلیس در قبال جرم می شود. بنابراین می توان این گونه مطرح نمود که جوامع دارای سطح بالاترین از سرمایه اجتماعی به احتمال بیشتری دارای پلیسی هستند که نرخ پاک سازی جرم بالاتری دارد.

۲. سرمایه اجتماعی و شکایت شهروندان از پلیس

سوء استفاده ی پلیس از قدرت و زور، همیشه به عنوان یکی از موضوعات مورد بحث در بسیاری از جوامع بوده است. شکایت شهروندان از پلیس در بسیاری از مواقع موجب نگرانی کارکنان و سازمان پلیس شده است. استفاده ی ناصحیح از زور و قدرت، موجب کاهش اعتماد و اطمینان افراد و جامعه به پلیس می شود، افسر پلیس را افسرده کرده و موجب ایجاد تضاد بین پلیس و شهروندان می شود.

بایلی و مندلسون اعتقاد دارند که تمایل شهروندان به شکایت از پلیس، تابعی است از آن چه که برای مردم اتفاق می افتد و آن چه که مردم انتظار دارند افسران پلیس انجام دهند. متعاقباً، استفاده از زور ممکن است با توجه به تناسب یا عدم تناسب بین استفاده از زوری که شهروندان انتظار دارند و درک می کنند، صحیح یا افراطی به نظر برسد.^{۲۲}

نظارت شهروندان بر اقدامات پلیس از طریق سرمایه اجتماعی باعث می شود که افسران پلیس از قدرت و زور خود، کمتر سوء استفاده کرده و پلیس نیز کنترل بیشتری بر نیروهای خود داشته باشد. در نتیجه، در جامعه ای که دارای سطح بالایی از سرمایه اجتماعی است نسبت به جامعه ای که سطح پایینی از سرمایه اجتماعی را دارد، تعداد شکایت شهروندان از پلیس به دلیل سوء استفاده از قدرت و اعمال زور، کمتر خواهد بود. هم چنین به دلیل کنترل پلیس بر نیروهای خود در قبال استفاده از زور نیز نرخ شکایت شهروندان از پلیس کاهش می یابد.^{۲۳}

۳. سرمایه اجتماعی و نرخ جرم و جنایت

در جوامعی که به طور ضعیفی سازمان دهی شده اند، نرخ های محرومیت اقتصادی و ناهمگونی جمعیت بالا است. این شرایط، از ایجاد و توسعه ی شبکه های اجتماعی اولیه و ثانویه میان شهروندان و جامعه جلوگیری

^{۲۲} . Bayley, D.H. & Mendelsohn, H.(۱۹۶۹). Minorities and the Police, New York: The Free Press

^{۲۳} . Choi, ۲۰۱۰

می‌کند، که در نتیجه آن موجب کاهش ظرفیت جامعه برای اعمال کنترل اجتماعی به ویژه روی رفتار جوانان می‌شود.^{۲۴}

کنترل اجتماعی ضعیف موجب آسیب زدن به توانایی گروه‌ها برای سازماندهی و حفاظت از خودشان شده و بی‌اعتمادی و سوء ظن را افزایش می‌دهد. در نتیجه موقعیتی مساعد برای جرم و جنایت ایجاد می‌شود. اکثر محققان نیز اعتقاد دارند که جرم و جنایت، ناشی از کنترل‌های اجتماعی غیررسمی ضعیف است.

در جوامعی که دارای سرمایه‌ی اجتماعی بالا هستند احتمال حل دقیق تعارض هم در سطح میان شخصی (در خانواده، همسایه، و محل کار) و هم در سطح اجتماعی (مثلاً توزیع ناعادلانه‌ی فرصت‌های اقتصادی) بیشتر است. هم‌چنین در چنین جوامعی سطح اعتماد بین افراد موجب کاهش تخلفات، جرم و جنایت می‌شود. برعکس، در جوامعی که اعتماد کافی به اخلاقیات وجود نداشته باشد، افراد در جهت منافع شخصی خود عمل کرده و تمایل بیشتری به سوء استفاده از دیگران خواهند داشت؛ در نتیجه جرم و انحراف افزایش می‌یابد. بنابراین، سطح سرمایه‌ی اجتماعی به طور منفی با نرخ جرم و جنایت رابطه دارد؛ لذا هرچه جامعه دارای سطح سرمایه‌ی اجتماعی بالاتری باشد، نرخ جرم و جنایت در آن کاهش خواهد یافت.^{۲۵}

۴. سرمایه‌ی اجتماعی و اعتماد به پلیس

از جمله عواملی که می‌تواند اعتماد مردم به پلیس را افزایش دهد کمک کردن پلیس به شهروندان در زمینه‌های مختلف است. کمک پلیس به شهروندان علاوه بر افزایش اعتماد آنان به پلیس، می‌تواند به منظور اهداف زیر انجام شود:

- کاهش ترس شهروندان درباره مشکلات خاص در جامعه؛
- مشارکت مردم در حمایت از پلیس برای حل مشکلات؛
- آموزش شهروندان درباره‌ی آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر جرم و جنایت؛

^{۲۴} . Sampson, R.J. and Groves W.B.(۱۹۸۹), Community Structure and Crime: Testing Social-Disorganization Theory, American Journal of Sociology, Vol. ۹۴, pp. ۷۷۴-۸۰۲.

^{۲۵} . Choi, ۲۰۱۰

اعتماد به پلیس، به معنای میزان اطمینان مردم به صداقت و درستکاری، شرافت، اعتبار و طرز رفتار پلیس است. موضوع اعتماد اجتماعی به پلیس در دو سطح قابل تبیین است نخست؛ سطح نهادی؛ در این سطح پلیس به مثابه یک نهاد عمل می کند. دوم؛ سطح کنشگری؛ در این سطح پلیس به مثابه مجموعه ای از کنشگران مد نظر است، در سطح نهادی، پلیس به عنوان یک سیستم مطرح و بر عناصر ساختاری آن تأکید می شود و در سطح خرد ارتباط کنشگران پلیس با شهروندان مورد توجه قرار می گیرد، شهروندان در برخورد با پلیس عناصر این دو سطح را با انتظارات ارزشی خود تطبیق می دهند. اگر انتظارات خود را سازگار با رفتار کنشگران و عملکرد نهادی پلیس ارزیابی کنند نسبت به آن اعتماد پیدا می کنند. نحوه داوری شهروندان در باب کیفیت خدمات پلیس می تواند معیار مهمی برای تعیین اثربخشی و کارایی این سازمان نیز باشد.^{۲۶} نیروی پلیس بخشی از حکومت بوده و بنابراین، آنچه بر اعتماد تعمیم یافته به حکومت تأثیر داشته باشد باید در زمان بررسی اعتماد به پلیس نیز در بررسی لحاظ گردد؛ به عبارت دیگر، اگر حکومت به طور کلی شایسته اعتماد باشد، اعتماد به پلیس احتمالاً بازتابی از کارکرد حکومت است، همان گونه که رو تستاین در مطالعات فراوان خود یافته است، یک عامل اصلی خلق اعتماد به چه اعتماد تعمیم یافته و چه اعتماد به نهادها- توانایی حکومت برای عملکردی منصفانه و بی طرفانه می باشد. به عبارت دیگر در حکومت با تمامی شهروندان به نحو برابر و مستقل از پایگاه اجتماعی شان رفتار می شود.^{۲۷}

دوگان با ارائه مثالی، فرق بین اعتماد و مشروعیت را به این شکل توضیح می دهد، فرق بین مشروعیت و اعتماد از پاسخ های محتمل به پرسشی بسیار ساده، آشکار می شود: «آیا باید از پاسبانی ساده اطاعت کرد؟» (باید از او اطاعت کرد زیرا فرمان او درست است)، چنین پاسخی گویای مشروعیت و اعتماد است. این پاسبان مشخص اشتباه می کند و باید به مقامات بالاتر شکایت برده لیکن در این لحظه باید از دستورهای او اطاعت کرد زیرا او نماینده اقتدار حاکم است». پاسخ دوم نشان دهنده مشروعیت بدون اعتماد است. پلیس به معنای یک نهاد باید مشروع تلقی شود حتی اگر پاسبان معینی غیر قابل اعتماد باشد. حال اگر پاسبان های بسیاری فاسد باشند یا بدون دلیل خشونت غیر لازم نشان دهنده پلیس به عنوان یک نهاد غیر قابل اعتماد خواهد شد.^{۲۸} بر اساس یافته های هود(۲۰۰۶) زمانی که جرایم و کجرویها در جامعه رواج می یابد. مردم اعتمادشان را به پلیس و نهادهای امنیتی از دست می دهند.

^{۲۶}. بخشی و غفاری، ۱۳۹۱، ص ۲۲.

^{۲۷} Rothstein, B. (۲۰۰۵). Social traps and the problem of trust. Cambridge: Cambridge University Press.

^{۲۸}. دوگان، ماتی، ۱۳۷۴، سنجش مفهوم مشروعیت و اعتماد، ترجمه: پرویز پیران، نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۹۷ و ۹۸، ص ۱۶.

همان طور که روزنباام و همکاران (۲۰۰۵) اشاره می کنند اعتماد و اطمینان مردم به پلیس سنگ بنا و محور هر نوع همکاری عمومی برای مشروعیت پلیس است.^{۲۹}

• کمک به شهروندان در جهت حل مشکلات توسط خودشان.^{۳۰}

در جوامعی که سرمایه ی اجتماعی بالایی وجود دارد. نظارت شهروندان موجب انجام بهتر خدمات دولتی و عمومی می شود. این امر منجر به افزایش رضایت میان شهروندان شده و در نهایت، منجر به اعتماد بیشتر به دولت می شود. هم چنین هنگامی که افراد تجربه ی خوبی از دولت داشته باشند بیشتر به آن اعتماد می کنند. هنگامی که شهروندان در زندگی مدنی مشارکت نداشته باشند، قادر نخواهند بود به نهادهایی که زندگی سیاسی آن ها را اداره می کنند اعتماد کنند. اعتماد به پلیس، انعکاسی از فعالیت مدنی و نگرش های شهروندان به اعتماد اجتماعی است که در زندگی مدنی شان آموخته اند. اگر سرمایه ی اجتماعی کاهش یابد اعتماد نیز کاهش خواهد یافت. شهروندانی که در فعالیت های مدنی مشارکت دارند، با افراد بیشتری ملاقات کرده و از تعامل با آن ها اعتماد بین شخصی را یاد می گیرند. شهروندانی که در فعالیت مدنی مشارکت نمی کنند در خود احساس کمبود می کنند که از لحاظ سیاسی تأثیرگذار نیستند. این امر موجب احساس عدم قدرت شده و بدینی و عدم اعتماد به نهادهای سیاسی اجتماعی و سیاسی از جمله پلیس را به دنبال دارد.^{۳۱}

بنابراین می توان این گونه مطرح نمود که سطوح بالای سرمایه ی اجتماعی به طور مثبتی با اعتماد شهروندان به پلیس رابطه دارد.

^{۲۹}. همتی، رضا، ۱۳۸۶، پلیس جامعه محور و نقش آن در کاهش احساس ناامنی، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره سوم، ص ۱۴۰.

^{۳۰}. Leggett, T.(۲۰۰۲), Performance Measures for the South African Police Service: Setting the Benchmarks for Service Delivery, Transformation: Critical Perspective on Southern Africa, Vol. ۴۹, pp. ۵۵-۸۵

^{۳۱}. Putnam, R.D.(۱۹۹۳), The Prosperous Community: Social Capital and Public Life, The American Prospect, Vol. ۴, pp. ۳۵-۴۲.

نتیجه گیری

تولید امنیت و فراهم آوردن قضایی مناسب برای فعالیت را از جمله رسالت های مهم و اولیه دولت ها برشمرده اند. دولت ها نیز نهادهایی را به منظور استقرار نظم و امنیت برای شهروندان و کشور ایجاد نموده اند. البته هر دولت این وظیفه را با الگوی خاص خود به اجرا درآورده است. در ایران نیز نیروی پلیس یکی از نهادهایی است که به این منظور تشکیل شده است. لذا ایجاد نظم و امنیت عمومی از کارویژه های اصلی پلیس به عنوان یکی از نهادهای حکومتی در ایران محسوب می شود.

بررسی ها نشان داد مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان مفهومی فرارشته ای در طول نزدیک به دو دهه اخیر به شدت مورد توجه رشته های مختلف علوم اجتماعی و انسانی قرار گرفته است. از نظر اغلب صاحب نظران، تمرکز مفهوم سرمایه اجتماعی، بر روابط میان انسان ها قرار دارد. اهمیت این روابط به گونه ای است که رفتار و نگرش انسان ها را در اجتماع، در روابط افقی و عمومی آنها تحت تاثیر قرار می دهد. صاحب نظران حوزه علوم سیاسی و اجتماعی، سرمایه اجتماعی را از جمله مباحثی می دانند که از اهمیت بسیاری برای سازمان ها به ویژه سازمان هایی نظیر نیروی انتظامی که کارآمدی و موفقیت آنها نیازمند تعامل نزدیک با جامعه و مردم است برخوردار می باشد. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، نیز به عنوان یکی از مهم ترین و گسترده ترین سازمان های موجود در کشور از این امر مستثنی نمی باشد. این سازمان براساس قانون، دارای چندین ماموریت بسیار حساس و بیست و هشت وظیفه مهم بوده و به جرأت می توان گفت که از نظر وسعت و تنوع وظایف، یک سازمان منحصر به فرد در کشور محسوب می گردد. اجرایی شدن و به عبارتی موفقیت نیروی انتظامی در انجام این وظایف و ماموریت ها نیازمند وجود بسترهای لازم تعامل منطقی بین مردم و پلیس و همچنین داشتن اعتبار و نفوذ اجتماعی نیروی انتظامی در سطح جامعه می باشد. به عبارتی داشتن مشروعیت و مقبولیت اجتماعی، اقتداره وجهه و منزلت اجتماعی و بهره مندی از مشارکت مردمی و اعتماد به پلیس شرط مهمی در اثربخشی و کارآمدی ماموریت های نیروی انتظامی و ایجاد حفظ و افزایش نظم و امنیت در جامعه است.

نتایج بررسی های صورت پذیرفته در این پژوهش حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی پلیس مجموعه ای از منابع بالقوه ای هستند که پلیس متناسب با تلاشی که برای کسب و دستیابی به آن انجام داده است، آن را در اختیار دارد و همان طور که نان لین اشاره نموده است در مواقع لازم می تواند آن را تبدیل به قدرت، ثروت، منزلت و اعتبار اجتماعی نموده و به منظور دستیابی به اهداف و مأموریت های خود که همان استقرار و تولید نظم و امنیت

است، به کار بندد. که با ابعاد ذکر شده قابلیت سنجش و ارزیابی پیدا می کند. از این رو سرمایه اجتماعی پلیس شامل منابعی است که توان تولید امنیت را در جامعه از طریق ایجاد و حفظ الگوهای سازمان اجتماعی و روابط متقابل اجتماعی بین پلیس و جامعه افزایش می دهد. این منابع در سطوح تحلیلی کلان، میانی و خرد عمل می کنند. با توجه مباحث مطرح شده، می توان مدل مفهومی سرمایه اجتماعی پلیس را ارائه داد. (شکل شماره ۱). به عنوان یکی از نتایج نظری این پژوهش، مفهومی از سرمایه اجتماعی پلیس ارائه گردید. بر این اساس سرمایه اجتماعی پلیس عبارت است از مجموعه ای از ظرفیت ها و قابلیت ها و منابع اجتماعی پلیس شما اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اقتدار و مقبولیت و مشروعیت (پذیرش مردمی) و وجهه و منزلت است. به نحوی که بهره مندی از این منابع که در نتیجه تعامل جامعه و پلیس حاصل می گردد، زمینه تولید و بازتولید نظم و امنیت را در عرصه اجتماع و پاسداری از ارزش های آن جامعه فراهم می سازد. به عبارت خلاصه، سرمایه اجتماعی پلیس، توانایی، قدرت و ظرفیت پلیس در برقراری ارتباط و تعامل با مردم به منظور انتظام بخشی هر چه بیشتر در جامعه است.

سیاست جنایی ایران، در سال های اخیر شاهد سازوکاری جدید تحت عنوان «شورای پیشگیری از جرم» است که در صورت اجرایی شدن آن، نهادهای دولتی تابع قوه مجریه و بعضاً نهادهای اجتماعی را وارد معادلات پیشگیری از جرم می کند. به عبارت دیگر اجرایی شدن این سازوکار، اجرایی شدن رویکرد چندنهادی به پیشگیری از جرم و مشارکت بین نهادی در این زمینه را نوید می دهد. این سازوکار در صورت اجرا، بستر مناسبی را برای اجرای آموزه های رویکرد جامعه محور به پیشگیری از جرم فراهم خواهد کرد. یکی از ایرادهای اساسی آن به نادیده گرفتن نقش محوری پلیس و نقش وزارتخانه های تابع قوه مجریه در امر پیشگیری از جرم مربوط می شود؛ به گونه ای که تدوین کنندگان این مصوبه، از سویی با تجمیع اختیارات در دستان رییس قوه قضائیه، مجال سیاست گذاری و تأثیر گذاری سایر نهادها در سیاست های پیشگیری از جرم را از آنها سلب کرده اند و از سوی دیگر، ترکیب اعضای شورای پیشگیری از جرم، تحت سیطره قوه قضائیه بوده و نقش نهاد پلیس و وزارتخانه های قوه مجریه در این شورا ضعیف به نظر می رسد. یعنی از سویی سازمان پیشگیری از جرم (که نقشی محوری در سیاست گذاری پیشگیری از جرم دارد) در تابعیت قوه قضائیه قرار دارد و رییس آن توسط رییس قوه قضائیه منصوب می شود (ماده ۴)، انتخاب اساتید دانشگاه عضو در شورا، به پیشنهاد رییس سازمان پیشگیری از جرم و انتخاب رییس قوه قضائیه است (بند ۱۳ از ماده ۱)، شرکت صاحب نظران و کارشناسان دیگر نهادها در اختیار رییس سازمان پیشگیری از جرم است (تبصره ماده ۲) و در کل، تعداد شش نفر از قوه قضائیه و دو نفر از اساتید دانشگاه

به انتخاب این قوه در شورا عضو هستند و از سوی دیگر، سه نفر از قوه مجریه (معاون اول رییس جمهور، یک نفر از سازمان بهزیستی و یک نفر از سازمان تأمین اجتماعی)، یک نفر از نهاد پلیس و چهار نفر از نهادهای دیگر (دو نفر از مجلس شورای اسلامی، یک نفر از صداوسیما و یک نفر از نیروی مقاومت بسیج) عضو شورای عالی هستند.

منابع

فارسی:

- اخترمحققی، مهدی، ۱۳۸۵، سرمایه اجتماعی، تهران، انتشارات مؤلف.
- بخشی، قدیر و غلامرضا غفاری، ۱۳۹۱، تبیین جامعه شناختی سرمایه اجتماعی پلیس، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۲.
- حق شناس، اصغر و همکاران، ۱۳۸۶، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۸۸.
- دوگان، ماتی، ۱۳۷۴، سنجش مفهوم مشروعیت و اعتماد، ترجمه: پرویز پیران، نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۹۷ و ۹۸.
- شارع پور، محمود و علی حسینی راد، ۱۳۸۷، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی (مطالعه موردی شهروندان ۲۹-۱۵ ساله‌ی شهر بابل)، نشریه حرکت، شماره ۳۷.
- شعاع کاظمی، مهرانگیز، ۱۳۸۴، جرم و راه‌های پیشگیری از آن، نشریه ادیان و عرفان، شماره ۱۰۳.
- علی نژاد، منوچهر، ۱۳۸۸، سرمایه اجتماعی و پیوند آن با پلیس جامعه محور، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال ششم، شماره ۲۷.
- علی نژاد، منوچهر، ۱۳۸۸، سرمایه اجتماعی و پیوند آن با پلیس جامعه محور، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال ششم، شماره ۲۷.
- غلامرضایی، سعید، ۱۳۷۶، موانع موجود در جریان مشارکت اجتماعی دختران جوان روستایی و برخی راه حل‌های آن، مجموعه مقالات سمینار تواناسازی دختران روستایی در مشارکت اجتماعی یونیسف با همکاری وزارت جهاد سازندگی.
- وروائی، اکبر، ۱۳۸۴، پلیس جامعه محور، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
- همتی، رضا، ۱۳۸۶، پلیس جامعه محور و نقش آن در کاهش احساس ناامنی، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره سوم.

انگلیسی:

- Bayley, D.H. & Mendelsohn, H.(۱۹۶۹). Minorities and the Police, New York: The Free Press.
- Borg, M.J. and Parker, K.F.(۲۰۰۱). Mobilizing Law in Urban Areas: The Social Structure of Homicide Clearance Rates. Law & Society Review, Vol. ۳۵, pp. ۴۳۵-۴۶۶.
- Choi, C.G.(۲۰۱۰). Exploring the Effects of Social Capital on Police Performance in U.S. Cities. A Dissertation Submitted to the Department of Public Administration and Policy in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy, College of Arts and Sciences, The Florida State University. Available at: <http://proquest.umi.com/pqdweb>.
- Leggett, T.(۲۰۰۲), Performance Measures for the South African Police Service: Setting the Benchmarks for Service Delivery, Transformation: Critical Perspective on Southern Africa, Vol. ۴۹, pp. ۵۵-۸۵.
- Putnam, R.D.(۱۹۹۳), The Prosperous Community: Social Capital and Public Life, The American Prospect, Vol. ۴, pp. ۳۵-۴۲.
- Putnam, R.D.(۱۹۹۳), The Prosperous Community: Social Capital and Public Life, The American Prospect, Vol. ۴, pp. ۳۵-۴۲.
- Rothstein, B. (۲۰۰۵). Social traps and the problem of trust. Cambridge: Cambridge University Press.
- Sampson, R.J. and Groves W.B.(۱۹۸۹), Community Structure and Crime: Testing Social-Disorganization Theory, American Journal of Sociology, Vol. ۹۴, pp. ۷۷۴-۸۰۲.
- Scott, Jason.D(۲۰۰۲). Assessing the Relationship Between Police-Community Coproduction and Neighborhood Level Social Capital, Journal of Contemporary Criminal Justice; ۱۸; ۱۴۷-۱۶۶.